

بررسی تحلیلی خطاهای موجود در ترجمه متون ادبی با هدف بهبود آموزش و توانش ترجمه ادبی

محمد حسین حدادی*

دانشیار زبان و ادبیات آلمانی، دانشکده زبانها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

عباسعلی صالحی کهریزسنگی**

دانشجوی دکتری آموزش زبان آلمانی، دانشکده زبانها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران،

تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۵/۰۹/۰۸، تاریخ تصویب: ۹۶/۰۶/۲۸، تاریخ چاپ: مهر ۱۳۹۶)

چکیده

کسب و تقویت توانش ترجمه ادبی، امری مهم در آموزش ترجمه ادبی بشمار می‌رود و هدف از آن، توانایی دانشجویان در بازگرداندن محتوا و سبک زبانی و کارکرد متون ادبی به صورت معادل^۱ در زبان مقصد است. برای نیل به این هدف، می‌توان با توجه به دیدگاه‌های نظری و عملی مختلف، در آموزش ترجمه ادبی و نیز روش‌های گوناگون آموزش در کلاس درسی، به کسب و تقویت توانش ترجمه ادبی دانشجویان کمک کرد. مقاله پیش‌رو، این هدف را دنبال می‌کند که این توانش را از راه بررسی و استدلال موانع، مشکلات، و خطاهای ترجمه ادبی و نیز ارائه راهکارها و پیشنهادها ترجمه با روش بازپس‌نگری^۲ به محصولات ترجمه، تقویت کند و در پی آن راهکارهایی آموزشی ارائه کند تا تدریس ترجمه ادبی به‌عنوان مهارت، با تاثیرگذاری بیشتری در محیط دانشگاهی صورت گیرد و در عین حال به‌بهبود کیفیت ترجمه‌های دانشجویان بیانجامد. رویکرد جستار حاضر به تبیین اهمیت سبک زبانی و کارکرد ترجمه در زبان مقصد است و با استناد به ترجمه حکایتی از هاینریش فن کلايست، به این مهم می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: ترجمه ادبی، آموزش ترجمه ادبی، مشکلات و خطا در ترجمه ادبی، کارکرد ترجمه در متن مقصد، تعادل در ترجمه، سبک در ترجمه ادبی.

* تلفن: ۰۲۱-۶۱۱۱۹۱۰۱، دورنگار: ۰۲۱-۸۸۶۳۴۵۰۰، رایانامه: haddadi@ut.ac.ir

** تلفن: ۰۲۱-۶۱۱۱۹۱۰۱، دورنگار: ۰۲۱-۸۸۶۳۴۵۰۰، رایانامه: asalehi.uni.isf@gmail.com

1. äquivalent
2. retrospektiv

مقدمه

شرط تاثیرگذاری آموزش ترجمه ادبی با هدف بالا بردن کیفیت ترجمه در تدریس، آنست که از انگاره‌ها و دستاوردهای عملی گستره‌های ترجمه‌شناسی، ادبیات، زبان‌شناسی، آموزش و انگاره‌هایی که بنای آن‌ها بر دانش ارتباطی و فرهنگی است، در تدریس ترجمه ادبی بصورت مستقیم و یا غیرمستقیم، استفاده کنیم. پیرامون ترجمه، به مفهوم عام و ترجمه ادبی به مفهوم خاص، رسالت ترجمه ادبی و مشکلات آن، از دیرباز تاکنون مباحث زیادی وجود داشته است که هر یک از دریچه‌ای به نقد و بررسی آن پرداخته‌اند. صرفنظر از تحلیل‌های صرف زبانشناختی که با رویکردی معیاری و هنجارگرا به توصیف ترجمه و محصول ترجمه پرداخته‌اند، می‌توان به انگاره‌های ولفرام ویلس^۱ در دهه هفتاد قرن بیستم اشاره کرد که با وجود انگاره‌های کاملاً زبانشناختی‌اش در ترجمه، نگاهی فراتر به کارکرد و فرایند ترجمه و بافت متن دارد. پس از آن، انگاره‌پردازان دیگر از جمله کاتارینا رایس^۲ و هانس هونینگ^۳، بیشتر به ویژگی‌های خاص انواع متن و تحلیل آن در ترجمه پرداخته‌اند و با پدیدارشدن انگاره کنش زبانی^۴، فصل نوینی با رویکرد به کارکرد اجتماعی زبان در ترجمه آغاز شد. از دهه هفتاد قرن بیستم، در مطالعات توصیفی ترجمه^۵، به متن مقصد اهمیت بیشتری داده می‌شود و کارکرد متن مقصد در زبان و فرهنگ مقصد مورد توجه ویژه قرار می‌گیرد تا آنکه در دهه هشتاد و نود قرن بیستم، رویکرد میان‌رشته‌ای با انگاره‌های ماری اسنل هورنبی^۶، قوت می‌یابد. به دنبال آن، انگاره هدف^۷ در سال‌های ۱۹۸۴-۱۹۹۱، دیگر معیار سنجش ترجمه را، وفاداری به متن مبدأ نمی‌داند و برابری کارکردی متن مقصد با متن مبدأ را معیار ارزیابی خود قرار می‌دهد و در ادامه این راه نیز، کریستیانه نرد^۸، انگاره کارکردمحور^۹ خود را با رویکرد به کارکرد متن مقصد در ترجمه

1. Wolfram Wilss
2. Katharina Reiß
3. Hans Hönl
4. Sprechakttheorie
5. Descriptiv Translation Studies
6. Mary Snell-Hornby
7. Skopostheorie
8. Christiane Nord
9. Funktionaler Ansatz

ارائه می‌دهد و نیز دو مفهوم تازه، برابری در کارکرد^۱ و وفاداری به ماموریت ترجمه^۲ در ترجمه ادبی، را به‌انگاره خود می‌افزاید و به ترجمه ادبی و کارکرد آن در زبان مقصد، ریختی اخلاقی می‌بخشد.

بنای مقاله حاضر نیز، بر انگاره کارکردمحور نرد در ترجمه ادبی است. در این پژوهش، محصول ترجمه ادبی دانشجویان کارشناسی ارشد گروه زبان آلمانی دانشگاه تهران در تمرینی طراحی شده و تصمیمات آن‌ها در ترجمه و نیز مشکلات و خطاهای آن‌ها با تکیه بر انگاره کارکردمحور نرد و ارزیابی آن در نقد ترجمه، بصورت تجربی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مقاله تلاش می‌کند نه تنها نتایج پژوهش را بدست دهد، بلکه پیشنهادهایی آموزشی برای بهبود آموزش ترجمه ادبی به‌دست دهد و نکاتی درباره شیوه ارائه تمرین پیشنهاد کند. پیشنهادها و نتایج آموزشی ارائه شده و بررسی مشکلات و خطاهای ترجمه ادبی در این مقاله، فراتر از نظریات و پژوهش‌های صرفاً زبانشناختی است. پیش از ورود به بحث‌های آموزشی و عملی ترجمه ادبی، نگاهی گذرا به‌انگاره ترجمه ادبی ضروری است.

بحث و بررسی

گذری اجمالی بر نظریه‌ها و روش‌های ترجمه ادبی

از زمان پیدایش قدیمی‌ترین فعالیت‌های ترجمه به‌عنوان نمونه در مصر، یونان، ایران^۳ و رم باستان، می‌توان قدیمی‌ترین ترجمه‌ها را نیز در تاریخ ترجمه بشری با استناد به برخی ترجمه‌های مشهور در ادواری خاص دنبال کرد. در عصر حاضر، ترجمه آثاری را در دست داریم که جزو گنجینه‌های فرهنگی همه ملت‌ها به‌شمار می‌روند؛ در این زمینه می‌توان به ترجمه‌های آثار فیلسوفان یونان باستان به‌زبان عربی اشاره کرد که در قرن هشتم میلادی، تحولی شگرف در علوم و هنر مشرق زمین ایجاد کردند، ترجمه انجیل توسط مارتین لوتر که تحولی در نثر و ترجمه آلمانی ایجاد کرد، ترجمه‌های شکسپیر از آثار اوگوست ویلهلم شگل^۴

1. Funktionsgerechtigkeit

2. Loyalität

۳. در ایران پیش از اسلام، بویژه در دوره ساسانی، ترجمه از سانسکریت و زبان‌های دیگر به‌فارسی میانه یا پهلوی صورت می‌گرفت. به‌عنوان نمونه می‌توان «کلیله و دمنه» را نام برد که از سانسکریت به‌زبان ساسانی یا فارسی میانه و پس از آن بار دیگر به‌عربی و عبری ترجمه شد.

4. August Wilhelm Schlegel

که تأثیری مهم بر زبان مدرن آلمانی گذاشت و یا ترجمه‌های لوسیان به‌زبان‌های اروپایی که روحی در ادبیات جدید جهانی دمید. (حدادی ۱۳-۱۹۹۶). اما هدف ما در این بخش، ترسیم و بررسی تاریخ ترجمه نیست، بلکه به دنبال آنیم تا به شناخت‌های به‌دست‌آمده و دیدگاه‌های نظری و روش‌های موجود در زمینه ترجمه ادبی در گذر از تاریخ ترجمه بپردازیم.

درباره ماهیت ترجمه، به‌طور کلی دو دیدگاه کلاسیک وجود دارد. نخستین دیدگاه، ترجمه را به‌منزله «اثری هنری» تلقی می‌کند که آفرینش و تولید آن، ارتباطی مستقیم با «فهم فردی (سویژکتیو)» از متن مبدا دارد. اما مبنای دومین دیدگاه، آنست که ترجمه همچون «اثری ملموس» است که «فهم عینی (آبژکتیو)» آن، اساس ترجمه است (م.ک. تُرد ۴۶-۴۵-۲۰۱۱). با توجه به این دو دیدگاه، می‌توان دو گونه ترجمه را از یکدیگر بازشناخت: ترجمه متون ادبی و ترجمه متون معمول و رایج. شرایبر^۱ این تقسیم‌بندی دوگانه را «ترجمه ادبی» و «ترجمه کاربردگرا» نام می‌نهد و در این زمینه به تفاوت‌گذاری کلر^۲، یعنی «متون تخیلی» و «واقع‌نگر یا عینی» اشاره دارد (م.ک. شرایبر ۸۴-۱۹۹۳).

رلف کلوپفر^۳ درباره دیدگاه نخست، خوانشی رمانتیک از ترجمه دارد و ترجمه را به‌مثابه اثری هنری می‌پندارد و دیدگاه خود را چنین بیان می‌کند: «ترجمه به‌نظم درآوردن است؛ اما نه هر نوعی از نظم، مانند بازسازی یا تفسیر مجدد اثری منظوم، بلکه معنای آن، منظوم ساختن مجدد منظومه‌ای دیگر است ... شاعری در نقش و قالب شاعری دیگر» (کلوپفر ۱۲۶:۱۹۶۷). او از سه گونه متفاوت انگاره ترجمه یعنی «ترجمه به‌معنای برگردان ابتدایی واژه به‌واژه»، «ترجمه آزاد» و «ترجمه به‌معنای مسئولیتی دوگانه در برابر متن اصلی و خواننده» نام می‌برد (همان ۱۶).

همانند دو دیدگاه موجود درباره ماهیت ترجمه، در زمینه ترجمه‌پذیری آثار ادبی نیز دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. نخستین دیدگاه، ترجمه آثار ادبی را غیرممکن یا نارسا می‌داند و اساساً ترجمه‌ناپذیر، در حالی که دیدگاه دوم، آثار ادبی را بصورت بالقوه ترجمه‌پذیر تلقی

1. Michael Schreiber
2. pragmatisch
3. Werner Koller
4. Fiktivtexte
5. Sachtexte
6. Rolf Klopfer

می‌کند. به‌عنوان مثال، یوهان ولفگانگ فن گوته به‌دلیل دیدگاه جهان‌وطنی‌اش دربارهٔ ادبیات جهانی، در زمرهٔ بزرگانی است که موافق ترجمه‌پذیرست و مترجمان ادبیات جهانی را نیز بر آن داشته است تا میان ملت‌ها و ادبیات آن‌ها به‌منظور ترجمهٔ سرمایه‌های معنوی جهانی، همت گمارند و نقشی میانجی ایفا کنند. گوته، مترجمان را همچون واسطه‌هایی می‌داند که زیبایی نیمه‌نهفته‌ای را در جامهٔ محصولی ارزشمند به‌ما عرضه می‌دارند و رغبتی بی‌مانند را در کشف متن اصلی در درون ما زنده می‌کنند (گوته. به‌نقل از اشتوریگ ۱۹۶۳:۷). در تعارض با این دیدگاه، ویلهلم فن هومبولت معتقد است که ترجمه به‌تلاشی برای حل تکلیفی غیرممکن می‌ماند (هومبولت ۱۹۰۹). به‌نقل از اشتولتسه ۱۹۹۷:۲۸. اوگوست ویلهلم شلگل نیز ترجمه ادبی را کاری دشوار می‌پندارد و بر ضرورت توجه به‌ریخت در ترجمه تأکید دارد و در این باره چنین می‌گوید: «مترجم راستینی که تنها به‌بازگرداندن درونمایه یک شاهکار ادبی بسنده نمی‌کند و از محفوظ‌داشتن ریخت گرانها و یا به کلامی دیگر از محفوظ داشتن سیمای خاص آن آگاه است، پیام آور نبوغی است که فراتر از پای‌بست‌های زبانی، آوازهٔ آن‌ها را می‌گستراند و موهبتشان را تقسیم می‌کند (شلگل ۱۸۲۶). به‌نقل از اشتوریگ ۱۹۶۳:۹۸».

از دیدگاه برخی دیگر از نظریه‌پردازان ترجمه ادبی، همچون فریدریش شلایرماخر یا والتر بنیامین، ترجمهٔ واقعی یا به‌کلامی دیگر چالش اساسی در ترجمه، تنها در گسترهٔ ادبیات روی می‌دهد و ترجمهٔ متون غیرادبی را عاری از مشکل می‌داند. والتر بنیامین^۱ در اثر معروف خود با عنوان "رسالت مترجم"^۲ ترجمهٔ ادبی را رسالتی دشوار و همچون «پژواکی از متن اصلی» در فرهنگ مقصد می‌پندارد (بنیامین ۱۹۵۵). به‌نقل از اشتوریگ ۱۹۶۳:۱۹۳. او در این زمینه چنین می‌گوید: «همانند تانژانت که بر دایره بصورت سطحی و تنها در یک نقطه مماس می‌گردد، و همانطور که این تماس را و نه نقطهٔ تماس آن را، قانون ریاضی وضع می‌کند و بر اساس آن تا بی‌نهایت ادامه می‌یابد، ترجمه نیز به‌صورت سطحی و تنها در نقطه‌ای بسیار کوچک از مفهوم، متن اصلی را لمس می‌کند تا بر اساس قانون امانتداری، در آزادی تکاپوی زبان به‌مسیر خود ادامه دهد (همان). فریدریش شلایرماخر نیز با عطف به ترجمهٔ هنری یا ادبی، دو شیوهٔ ترجمه را که عبارتند از «ترجمه به‌سیاق آلمانی» و «ترجمه بیگانه‌ساز» پیش رو می‌نهد (شلایرماخر ۱۸۳۸). به‌نقل از اشتولتسه ۱۹۹۷:۲۹. در شیوهٔ نخست، ترجمه چنان

1. Walter Benjamin

2. Die Aufgabe des Übersetzers

صورت می‌گیرد که به‌متن اصلی (آلمانی) وفادار بماند و در شیوه دوم، باید خواننده را به‌نویسنده نزدیک کرد. این شیوه، زبان مبدا را غنی می‌سازد (همان).

در صورتی که متون ادبی را اساساً ترجمه‌پذیر بدانیم، آموزش ترجمه آن‌ها نیز امری ممکن خواهد بود و می‌توانیم به‌انگاره‌های جدید انگاره‌پردازان در زمینه آموزش ترجمه ادبی استناد کنیم. از جمله انگاره‌هایی که به ترجمه و آموزش ترجمه ادبی، پرداخته است، انگاره کارکردمحور نرد می‌باشد که در مسیر انگاره هدف رایس/فرمر^۱ حرکت می‌کند. تفاوت انگاره رایس/فرمر، به عبارتی تفاوت انگاره هدف با انگاره‌های پیش از آن و بطور مثال با انگاره کلاسیک درباره تعادل در آنست که انگاره هدف، تعادل در هدف از ترجمه و یکسانی کارکردی میان متن مبدا و مقصد را خواستار است، به صورتی که پیوستگی میان‌متنی^۲ میان کنش متن مبدا^۳ و کنش متن مقصد^۴ ایجاد شود (م.ک. رایس/فرمر ۱۱۹-۱۰۹:۱۹۸۴). پس از انگاره هدف، انگاره کارکردمحور در ترجمه‌شناسی با تأکید مطلق بر کارکرد ترجمه در متن مقصد آغاز شد و مهم‌ترین نماینده آن، کریستیانه نرد، مدل خود را در سال ۱۹۷۸ در زمینه آموزش ترجمه ارائه کرد. نرد معتقد است: «انگاره هدف، خواستار تناسب کارکردی در ترجمه است یا به‌کلامی دیگر، در ترجمه به‌دنبال خصلتی است که برای تحقق کارکرد یا کارکردهایی که مطلوب کنش ترجمه بوده‌اند، متناسب باشد» (نرد ۱۴-۱۹۹۳). او، دو مفهوم ترجمه‌شناختی جدید را به‌مبحث نظری هدف رایس/فرمر می‌افزاید و طرح جدید خود را تبیین می‌کند؛ این دو مفهوم عبارتند از: «برابری کارکردی» و «وفاداری به‌ماموریت ترجمه» (همان ۱۷-۲۰۱۱). بنا بر نظر نرد، ترجمه به‌مفهوم کارکردی عبارتست از تولید متن مقصد با کارکردی درخور آن و با پایبندی به‌متن مبدا موجود، به‌نحوی که این ارتباط، بسته به‌هدف از ترجمه (بسته به‌کارکردی که مقصودنظر یا درخواست شده است) به‌انحای مختلف تعیین گردد. از آنجا که مترجمان با شرکای عمل خود (سفارش‌دهنده ترجمه، خوانندگان زبان مقصد، نویسنده متن مبدا) در ارتباط هستند و این شرکاء، انتظار متنی را در زبان مقصد دارند که کارکردی درخور آن داشته و به‌متن مبدا پایبند باشد و از آنجا که قادر به‌سنجش متن مقصد از نظر تناسب با این شرایط نخواهند بود، مترجمان، مسئولیت رعایت امانت را در پیشگاه آنان بر دوش دارند

1. Reiß/Vermeer
2. Intertextuelle Kohärenz
3. Ausgangstexthandlung
4. Zieltexthandlung

(م.ک. همان). در پی، به تشریح بیشتر مدل کارکردمحور نرد در آموزش ترجمه ادبی، می‌پردازیم.

ترجمه ادبی در چارچوب آموزش ترجمه

ترجمه متون غیرادبی به‌عنوان چالشی جدی در ترجمه محسوب نمی‌شود، زیرا هنگام ترجمه چنین متونی، تنها سخن از برگردان معنا یا محتوا و تناسب ریخت متن با اصول زبان مقصد و به‌عبارتی سخن از تناسب با چارچوب‌ها و سنت‌های فرهنگی زبان مقصد است (م.ک. نرد ۲۰۰۸:۲۴). اما آنگاه که سخن از ترجمه متون ادبی می‌رود، چالش واقعی پدید می‌آید، زیرا هنگام ترجمه متون ادبی، باید به‌شیوه‌ای ترجمه کرد که «تبادل بیانگر احساسات یا تعادل در حیطه هنری-زیبایی‌شناختی» ایجاد شود، به‌صورتی که «ویژگی‌های صوری-زیبایی‌شناختی، بازی‌های زبانی و سبک فردی در متن مقصد بازنمود پیدا کند» (حدادی ۲۰۱۹-۱۹۹۶). بر اساس نظریه کارکردمحور نرد، متن ادبی مقصد باید در کنار بازنمود ریخت و شاکله زبانی متن ادبی مبدأ، همانند متن مبدأ، کارکردی مشابه در متن مقصد داشته باشد و نزد خوانندگان خود، تاثیری مشابه یا هم‌تراز از نظر محتوایی و سبکی ایجاد کند، همان تاثیری که متن مبدأ بر خوانندگان خود ایجاد می‌کند (م.ک. نرد همان) و یا آنگونه که والتر بنیامین عقیده دارد، ترجمه ادبی باید در نقش "استحاله‌ای از متن اصلی" سنجیده شود و خود اثر هنری مستقلی باشد (بنیامین ۱۹۳-۱۹۶۳).

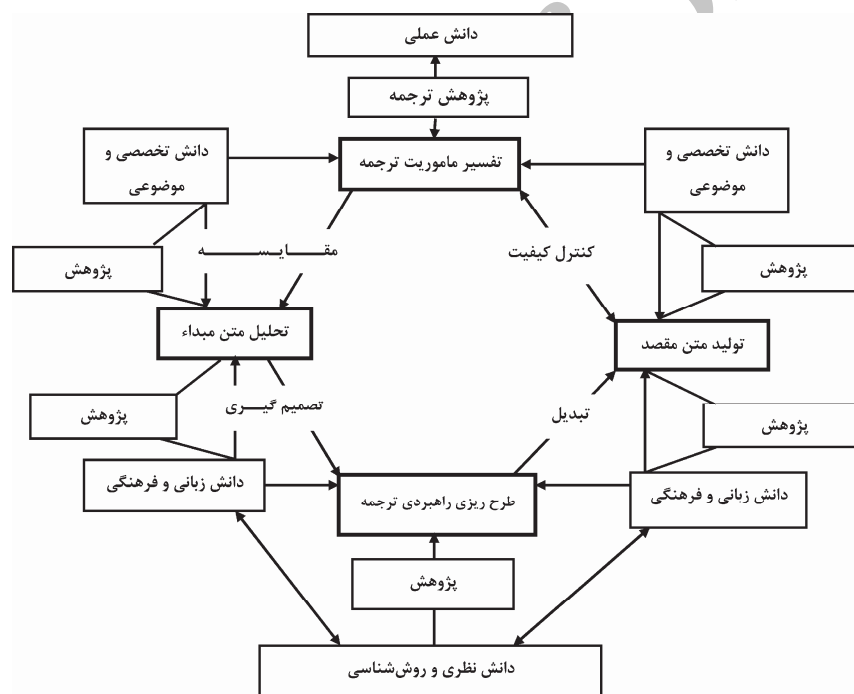
چالشی دیگر در آموزش ترجمه ادبی زمانی رخ می‌دهد که از دانشجویان خواسته شود، ترجمه ادبی معادلی به‌دست دهند. برای دست‌یافتن به ترجمه‌ای معادل، نیازمند استدلالی آموزشی هستیم که ترجمه را همانند هر روند فرمول‌بندی زبانی، منحصر به‌عنوان عملی زبان‌شناختی نپندارد، بلکه آن را کنشی روان‌شناختی-زبان‌شناختی بداند که طی آن دو سطح زبانی واژگان و نحو، به‌صورت کارکردی تأثیری مشترک دارند (م.ک. ویلس ۱۹۷۴-۴). ویلس، الگویی زبان‌شناختی برای آموزش ترجمه پیشنهاد می‌کند و این الگو، ارتباط سه‌گانه‌ای را میان هدف آموزشی، محتوای آموزشی و شیوه آموزشی مدنظر قرار می‌دهد. این طرحواره زبان‌شناختی از پنج گام آموزشی زیر تشکیل می‌شود:

- ۱- تحلیل نحوی، معناشناختی و سبکی جمله متن مبدأ با در نظر داشتن پیوستگی متنی آن با جملات پیشین و پسین همان متن
- ۲- توصیف، طبقه‌بندی، توضیح و سنجش دشواری‌های ترجمه از نظر واژگانی، نحوی-همنشینی و سبکی

۳- برطرف کردن بهینه دشواری‌های هویداشده در ترجمه با کمک راهکارهای ترمیمی، به‌عنوان نمونه با بازتولید متن در زبان مقصد و در صورت لزوم با گذر از یک یا چند مرحله میان‌زبانی یا واسط در ترجمه

۴- سنجش نقادانه میزان تعادل محتوایی و سبکی ترجمه با کمک معیارهای ذاتی متن؛ بازبینی تصمیمات اتخاذشده در روند ترجمه در صورت نیاز؛ درجه‌بندی کیفی آلترناتیوها (بدیل‌ها) در ترجمه

۵- ترجمه مجدد جمله ترجمه‌شده به‌زبان مبدأ بمنظور قیاس توان بیانی زبان مبدأ و مقصد از نظر سبکی و توصیف دو‌جانبه روابط زبانی از نظر حفظ تعادل در ترجمه (ویلس ۸-۱۹۷۴).



مدل ۱- مدل نرد (۱۹۹۶)

در طرحواره ارائه‌شده توسط ویلس با محوریت حفظ تعادل در ترجمه، واحد ترجمه، جمله است، بدین‌صورت که بنای ما در جایگزینی معادل‌های متناسب ترجمه، جمله و

پیوستگی متنی آن با جملات پیشین و پسین در متن است، در حالی که تاکید نرد بر متن و کلیت آن و کارکرد آن در زبان مقصد به عنوان واحد ترجمه است. افزون بر آن، در الگوی ویلس، تمایز آشکاری میان موانع در ترجمه و مشکلات ترجمه، آنگونه که نرد به تفکیک آنها پرداخته است، مشاهده نمی‌کنیم. در بخش بعدی به تمایز یادشده توسط نرد خواهیم پرداخت. با استناد به مدل آموزشی ترجمه نرد که در زیر آمده است و در وهله اول درباره ترجمه متون ادبی به کار برده شده، روند ترجمه ادبی اساساً زمانی آغاز می‌شود که ماموریت^۱ ترجمه، توسط مترجم یا دانشجو تفسیر شود تا بواسطه آن، هدف یا مقصود^۲ از ترجمه معنا شود (م.ک. نرد ۲۰۰۸:۲۶). بنابراین، گام نخست در ترجمه با روند یافتن ماموریت تعیین شده و هدف از ترجمه، ارتباطی تنگاتنگ دارند؛ به عبارت دیگر دانشجو باید ماموریت ترجمه را تفسیر کند و در صورتی که دانش لازم را در این زمینه ندارد، از آن کس که ماموریت ترجمه را داده یا از استادان و نیروی آموزشی جویا شود تا بداند ترجمه با چه هدفی درخواست شده است. از آنجا که ماموریت تعیین شده ترجمه در زمینه آموزش مترجم در برنامه درسی گروه زبان آلمانی دانشگاه تهران و در طرح درسی ترجمه ادبی را می‌توان به اهداف تحصیلی تعیین شده در واحد درسی ترجمه متون ادبی معطوف دانست، دانشجو در فرایند تحقیق پیرامون ماموریت ترجمه، نیازمند آنست که با کمک استادان به اهداف تعریف شده طرح درسی ترجمه ادبی توجه کند و به شناخت تفاوت‌های ترجمه متون ادبی از متون غیرادبی در ارتباط با نحو، معنا و سبک دست یابد (ن.ک. برنامه درسی مقطع کارشناسی ارشد رشته مترجمی زبان آلمانی، صفحه ۱۵). ذکر این نکته هم ضروری است که توجه دانشجویان در این زمینه و در کلاس درسی بر عهده مدرسان واحد درسی ترجمه ادبی است. ناگفته پیداست که در این مدل، پیش شرط ما این نیست که دانشجویان از توانش ادبی کافی برخوردار باشند. مدرسان می‌توانند بسته به وضعیت دانش و سطح ترجمه‌آموزان، سطح دشواری تمرین‌های ترجمه ادبی و نیز ماموریت ترجمه را، تعیین کنند.

در گام دوم روند ترجمه، (در جهت خلاف حرکت عقربه‌های ساعت) صحبت از بررسی و آکایوی متن مبدأ است، به این منظور که قابلیت پیاده‌شدن ماموریت ترجمه، مورد آزمایش قرار گیرد و مشکلات بالقوه ترجمه، آشکار شوند. ستون سمت چپ مدل، نشان می‌دهد که

1. Übersetzungsauftrag

2. Zweck

کسب یا برخورداری از دانش تخصصی و موضوعی و نیز دانش فرهنگی و زبانی بمنظور تحلیل متن مبدأ، امری اجتناب ناپذیر است. افزون بر آن، برای تحلیل متن ادبی مبدأ، شناخت دانشجویان درباره نویسنده متن ادبی و درباره ویژگی‌های بارز اقسام متن یا انواع ادبی، اهمیت زیادی دارد، زیرا تنها در پس این دانش، می‌توان تصمیم گرفت که کدامیک از ویژگی‌های متن، جزء سبک شخصی نویسنده‌اند و کدامیک تنها سنتی ادبی است (م.ک. نرد ۲۰۰۸:۲۷). بمنظور تحلیل متن مبدأ نیز، طرحواره‌ای متناسب با تحلیل ترجمه پیشنهاد می‌شود که فاکتورهای برون‌متنی و درون‌متنی را در تحلیل متن، مد نظر قرار می‌دهد و این طرحواره را می‌توان در کلاس درسی و در تحلیل متن مبدأ بکار برد. فاکتورهای برون‌متنی عبارتند از: فرستنده یا تولیدکننده متن (چه کسی؟)، مقصود فرستنده متن (به چه منظور؟)، دایره مخاطبان متن (خطاب به چه کسی یا کسانی؟)، رسانه (از طریق کدام رسانه یا واسط ارتباطی یا زبانی؟)، مکان (کجا)، زمان (کی؟)، مناسبت (چرا؟) و کارکرد ارتباطی مورد نظر (با چه هدفی؟) و فاکتورهای درون‌متنی عبارتند از: موضوع (در چه زمینه‌ای؟)، محتوا (چه چیزی؟)، ساختار متن (با چه نوع توالی یا ترتیب ساختاری؟)، شاکله غیرزبانی (با کدامیک از عناصر غیرکلامی - زبانی؟)، واژگانی (با چه نوع واژگانی؟)، نحوی (با چه نوع جملاتی؟) (همان ۲۸). بنابراین با تعیین فاکتورهای برون‌متنی و درون‌متنی و شناخت نسبت به آن‌ها، می‌توان درک مناسبی نسبت به متن، پیش از ترجمه آن به دست آورد. بایسته یادآوری است که در زمینه شیوه تحلیل متن در تدریس ترجمه ادبی، روش ترجمه‌شناختی و همچنین شیوه‌های تحلیل ادبی هم وجود دارد. حتی گارت معتقد است که دلیلی وجود ندارد که تفسیر متن، لزوماً روندی مشابه با روش‌های موجود در تدریس ادبیات و تحلیل متن ادبی داشته باشد. هر روشی که راهی به شناخت و فهم صحیح متن ایجاد کند، جایز است. اما لزوم استفاده از منابع دست دوم به‌منظور تحلیل متن ادبی، مانند بهره جستن از این منابع درباره نویسنده و سنت ادبی، و نیز میزان استفاده از آن، بسته به علاقه مدرسان ترجمه و آموزندگان آن، متفاوت است (گارت ۱۹۸۷:۲۴۳). در گام سوم مدل یاد شده، مشکلات ترجمه ادبی پس از تحلیل متن ادبی مبدأ، مشخص می‌شوند که در قسمت بعدی بدان خواهیم پرداخت. اما شیوه حل مشکلات ترجمه ادبی، به تحلیل و تفسیر ماموریت ترجمه بستگی دارد و تعیین کننده نوع ترجمه، ریخت ترجمه و سرانجام راهکار حل آن‌ها به‌بهترین وجه یا به‌عبارتی با نزدیکترین معادل در زبان مقصد، است (م.ک. نرد ۲۰۰۸:۲۷). بنابراین، همانگونه که ستون پایینی مدل نشان می‌دهد، ابتدا باید راهکاری برای ترجمه کل متن در پیش گرفت که در آن مهمترین مشکلات ترجمه آن، از پیش روشن شده

باشند. شناخت نسبت به‌انگاره ترجمه نیز به‌دانشجو در گزینش راهکار مناسب ترجمه متن کمک می‌کند و دانشجو درمی‌یابد که گزینش راهکاری خاص در ترجمه، چه نتایجی در کارکرد و تاثیر متن در زبان مقصد خواهد داشت. در گام چهارم، دانشجو قادر خواهد بود به‌مرحله تولید متن مقصد پردازد و در این مرحله، دانش زبانی و فرهنگی و نیز دانش تخصصی نسبت به‌زبان مقصد نیز اهمیت پیدا می‌کند. در گام پایانی نیز، لازم است متن تولید شده، با انتظاراتی که در مأموریت ترجمه آمده است، بمنظور بازبینی کیفی ترجمه مقایسه شود. در صورتی که متن مقصد با انتظاراتی که از ترجمه می‌رود، تطابق داشته باشد، می‌توان آن را معادل دانست، در غیر این‌صورت لازم است که هر کدام از گام‌ها یا مراحل یاد شده را در روند ترجمه، از نو طی کرد تا مشکل ترجمه برطرف شود. به‌عنوان مثال در صورتی که متون ادبی ترجمه شده توسط دانشجویان، به‌اهداف آموزشی تعیین شده در واحد درسی ترجمه ادبی، دست یابد یا با مأموریت و هدف تعیین شده از تمرین ترجمه توسط مدرس، تطابق داشته باشد، می‌توان ترجمه‌های صورت گرفته را ترجمه‌هایی معادل با متون مبدأ دانست.

در کنار مباحث یاد شده، عوامل آموزشی مانند گزینش متن و مهیا نمودن آموزشی مواد درسی، نقشی مهم در کیفیت ترجمه دانشجویان ایفا می‌کند. اولریش کاتس^۱ بر این عقیده است که در حالت کلی، متنی می‌تواند معیاری برای تمرین یا تکلیف ترجمه به‌شمار آید که قابلیت استفاده در کلاس درسی را داشته و با توجه به‌موضوع متن، میزان دشواری متن، نوع متن، طول متن، جذابیت و به‌روزبودن متن، با تدریس تناسب داشته باشد (کاتس ۱۵۵-۲۰۰۲:۱۴۷). درباره گزینش متن در تدریس ترجمه ادبی، گارت بر این باور است که کل محتوای متون باید مدنظر قرار گیرد یا تنها بخش‌هایی از آثاری با محتوای طولانی انتخاب شود که دانشجویان با کلیت آن‌ها آشنایند (گارت ۲۴۳-۱۹۸۷). گارت در زمینه ترجمه و به‌کار بستن متن ادبی در تدریس ترجمه نیز اولویت را در گزینش انواع کوتاه ادبی می‌داند، به‌نجوی که بخش‌های انتخاب شده، همواره با در نظر داشتن ارتباط آن‌ها با کل متن، تفسیر و ترجمه شوند. از این رو توصیه می‌شود که به‌دلیل سهولت بیشتر کار، متون کوتاهی که منسجم و یکپارچه‌اند را انتخاب کرد، مانند داستان کوتاه، سروده‌های کوتاه یا انواع مینی‌مال ادبی، همچون داستان‌های آقای کوینر، اثر برتولت برشت (همان).

1. Ulrich Kautz

تحلیل خطا و ارزیابی آن با تکیه بر مشکلات ترجمه ادبی

دشواری ترجمه ادبی از آنروست که شناخت همه واحدهای ترجمه متن ادبی مبدأ و نیز تمامی ابزارها و امکانات بیانی ادبی و سبک‌شناختی و بازگرداندن همه آن‌ها در متن مقصد، به راحتی ممکن نیست. از این رو همواره مشکلاتی در ترجمه بروز می‌کنند که باید در زبان مقصد، تغییراتی اعمال شود تا مشکلات موجود برطرف شود. این تغییرات از دیدگاه کاتوس عبارتند از: «تغییرات واژگانی، دستوری، سبکی-کارکردی و حتی معناشناختی» (کاتوس ۲۰۰۲:۱۱۹). در بخش پیش، به تمایز دو مفهوم در زمینه مشکلات ترجمه اشاره کردیم. نرد در این زمینه، میان مشکلات ترجمه^۱ و موانع در ترجمه^۲ تفاوت قائل می‌شود و تعریفی ترجمه‌شناختی در آموزش ترجمه از هر یک به دست داده است. مشکلات ترجمه عبارتند از مسائلی که لازم است در هنگام ترجمه حل شوند، در صورتی که بخواهیم متن مبدأ را به متن مقصد ترجمه کنیم تا مناسب کارکرد معینی در زبان مقصد باشد (نرد ۲۰۱۱:۱۱۷). بر این اساس، مشکلات ترجمه، ممکن است ناشی از فاکتورها یا مولفه‌های فرآیند ترجمه و به‌دیگر سخن، ناشی از متن کاملاً خاصی در زبان مبدأ باشد؛ ناشی از نوع تفسیر موقعیت متن مقصد و تضاد آن با موقعیت متن مبدأ بواسطه ماموریت ترجمه و یا به عبارتی ناشی از کارکرد اجتماعی زبان و مشکلات کاربردشناختی باشد؛ به دلیل تفاوت میان شیوه‌های رفتاری فرهنگ مبدأ و مقصد و به عبارتی ناشی از مشکلات خاص فرهنگی باشد؛ و یا نتیجه تفاوت‌های ساختاری میان متن مبدأ و مقصد و به عبارتی ناشی از مشکلات تقابلی دو زبان (همان).

اما برخلاف مشکلات ترجمه، می‌توان موانع ترجمه را با کسب توانش ترجمه، از میان برداشت. این موانع را می‌توان به صورت عینی شناخت و فهرستی از آن‌ها ارائه کرد. موانع ترجمه از عناصر و مولفه‌های فرایند ترجمه تشکیل می‌شوند و به‌طور معمول مترجم مبتدی را با چالش روبرو می‌کنند. مسائلی که از آن‌ها به‌عنوان موانع ترجمه یاد می‌شود، نه تنها ممکن است مربوط به مشکلاتی در ترجمه باشند که مترجم هنوز به حل آن‌ها واقف نباشد، از جمله درباره واحدهای واژگانی یا نحوی متن مبدأ که مترجم به دلیل توانش ناکافی در زمینه متن مبدأ یا زمینه تخصصی آن، قادر به فهم آن نیست، بلکه ممکن است مربوط به‌واژگان تخصصی زمینه‌ای خاص باشد که مترجم تسلطی بر آن ندارد. موانع ترجمه نیز به‌چهار مقوله یا رسته

1. Übersetzungsproblem
2. Übersetzungsschwierigkeit

تقسیم می‌شوند که عبارتند از: ۱- موانع مربوط به متن، از جمله پیچیدگی بیش از حد محتوای آن، توضیحات محتوایی اندک، موضوع پیچیده متن، ساختار مبهم و غیرمنسجم، کاربرد واژگان مبهم از نظر معنایی و ساختارهای پیچیده نحوی و همچنین کاستی‌های متن از نظر خطاهای چایی، خطاهای معیاری و نشانه‌گذاری‌های نادرست که همگی این موانع با کمک تحلیلی دقیق و متن‌شناختی از متن مبدأ توسط مدرس ترجمه برطرف می‌شوند؛ ۲- موانع مربوط به مترجم، از جمله سطح و میزان توانش ترجمه‌آموزان با توجه به توانش زبانی، موضوعی و توانش ترجمه آنها که همگی به‌مرور با کسب مهارت مربوطه در زمینه مورد نظر، برطرف می‌گردند؛ ۳- موانع مربوط به نوع تمرین‌های ترجمه که مربوط به دشواری ترجمه متن از نظر تعدد و پیچیدگی مشکلاتی که همزمان در متن وجود داشته باشد و از نظر ایجاد تعادل در تمام لایه‌های زبانی، است و با افزایش توانش ترجمه و تعیین مأموریت ترجمه برطرف می‌شوند؛ ۴- موانع مربوط به مسائل فنی ترجمه که مربوط به در اختیار داشتن ابزارهای کمکی مناسبی همچون واژه‌نامه، داده‌های اضافی حاوی اطلاعات متن، متن الحاقی، مواد استنادی متن در صورت مستند بودن آن، منابع تخصصی و ابزارهای فنی مانند ماشین تحریر، ابزار ویرایش متن و دیکته آن و نیز راهکارهای مربوط به زمان انجام تمرین و درخواست‌های مربوط به تنظیم متن مقصد که همگی با در اختیارگذاشتن ابزار فنی و اطلاعاتی و نیز ارائه زمان کافی برای ترجمه و توضیحات معقول درباره شیوه تنظیم متن مقصد، رفع می‌شوند (م.ک. همان ۱۲۴-۱۲۱).

از میان همگی مشکلات یادشده در ترجمه، مشکلاتی که خاص متن مبدأ باشند یا به عبارتی مشکلاتی که ناشی از متنی خاص در زبان مبدأ باشد، بویژه در زمینه ترجمه ادبی چالش ایجاد می‌کنند، زمانی که نویسنده متن، با به‌کار بردن سبک ادبی خاص خود، مثلاً با استفاده از بازی‌های واژگانی و زبانی یا با کاربرد خلاقانه زبانی خود که خارج از معیارهای معمول زبانی و نحوی است، مترجم را به چالش می‌کشد. پس از بیان مسائل و مشکلات یاد شده در ترجمه با نگاه ویژه به ترجمه متون ادبی، نتیجه آموزشی‌ای که نرد از گفتار خود در باب تربیت مترجم می‌گیرد، آنست که بنای توانش ترجمه از راه بررسی همگی مشکلات بالقوه و ممکن یا به عبارتی انواع مختلف مشکلات با طی مسیری روشمند و پیشرونده در طرح مشکلات، می‌گذرد، به شرط آنکه شرایط حل بهینه آنها بسته به نوع تمرین ترجمه، به‌دست آید و به‌تمرین آن با کمک تنوع زیاد در کاربست متون، پرداخت (م.ک. همان ۱۲۰). خطاهای ترجمه نیز زمانی در آموزش ترجمه رخ می‌دهند که دانشجویان از توانش ترجمه کافی برخوردار نباشند و بنابر آنچه که گفته شد، نتوانند موانع و مشکلات موجود در فرایند ترجمه

را از میان بردارند. ویلس معتقد است که "خطاهای ترجمه ناشی از رعایت نکردن معیار در موقعیت ارتباطی زبان است" و توصیف خود را بر مبنای تفسیرش از خطا در تدریس زبان‌های خارجی، به‌عنوان انحراف از سازگان معیار زبان یا قواعد زبانی، به‌دست می‌دهد (ویلس ۱۹۷۷:۲۵۸)، در حالی که از دیدگاه نرد و کارکردمحور خطا در ترجمه، ناشی از کارکرد نارسای زبان مقصد بوده که در ترجمه به‌ثمر ننشسته است (نرد ۲۰۱۱:۲۷۰). او خطا در ترجمه را ناشی از "تحقق نیافتن ماموریت ترجمه" با توجه به‌زوایای کارکردی مشخص در ترجمه می‌داند؛ به‌عبارت دیگر هر ترجمه‌ای را می‌توان تنها در ارتباط با هدفی کارکردی که از پیش به‌دست داده شده است، مورد سنجش قرار داد (م.ک. همان ۲۷۱). بنابراین، تخطی از قواعد نحوی و واژگانی سازگان زبان مقصد را نمی‌توان به‌معنای واقعی کلمه، خطا در ترجمه تلقی کرد و تسلط کافی بر زبان مقصد، شرط لازم هر ترجمه‌ایست و در سنجش میزان موفقیت ترجمه به‌شمار نمی‌رود.

بنابراین هنگام ارزیابی خطاهای ترجمه باید ماموریت ترجمه را مد نظر قرار داد، بدین معنا که باید میزان اهمیت خطاهای فرهنگی و تقابلی زبانی را تعیین کرد و متناسب با آن، ترجمه را ارزیابی نمود. بنابراین نظریه، تخطی از قواعد کارکرد خاص اجتماعی-فرهنگی زبان که در وهله اول مربوط به‌کارکرد متن در زبان مقصد باشند، در ترجمه از جایگاه مهمی برخوردارند. بالعکس در ترجمه‌ای که هدف از آن آموختن توانش زبانی است، تخطی از قواعد کاربرد زبان در اولویت قرار می‌گیرند (م.ک. همان ۲۷۶). اما لازم است در آموزش عملی ترجمه ادبی، پیش از آنکه توانش واقعی ترجمه به‌دست آید، به‌خطاهای نحوی و واژگانی نیز به‌منظور اجتناب از آن در ترجمه‌های آتی، اشاره داشت که از نظر نرد، خطا به‌مفهوم واقعی به‌شمار نمی‌آیند. راه دیگری که در جلوگیری از خطا در تدریس ترجمه ادبی توصیه می‌شود، اقدامات پیشگیرانه است، از جمله می‌توان تمرینات متناسب ترجمه را پیش روی دانشجویان گذاشت. برای نیل به‌این مقصود، تمرینات بایستی به‌صورت روشمند و با توجه به سطح بازده و توان دانشجویان تنظیم گردند، ماموریت ترجمه بایستی به روشنی تبیین گردد و تمامی امکانات و ابزارهای کمکی لازم، باید در اختیار ترجمه آموزان قرارگیرد. تعیین خطا بایستی مستدل و قابل فهم بوده و به‌چارچوبی نظری-روش‌شناختی استناد کند، تخطی از ماموریت ترجمه لازم است از خطاهایی که ناشی از فقدان تسلط کافی بر متن مقصدند، بصورت جداگانه بررسی شوند. لازم است بدانیم که توانش خوب در زمینه ترجمه با برخورداری از تسلط زبانی محدود، بهتر از تسلط زبانی خوب بدون توانش ترجمه است و نیز کارکرد صحیح اجتماعی ترجمه، برتر از

کمال زبانی آن است. در نهایت بهتر است ارزیابی مثبت مشکلات حل شده در ترجمه توسط دانشجویان را به ارزیابی منفی خطاهای ترجمه آنان ترجیح دهیم (م.ک. همان ۲۸۰-۲۷۷).

مشکلات ترجمه متون آزمایشی و نقد و بررسی خطاهای آن

اینک به عنوان نمونه، به بررسی مشکلات دو نمونه از ترجمه‌های ادبی صورت گرفته توسط دانشجویان کارشناسی ارشد گروه زبان آلمانی دانشگاه تهران از دو گروه آزمایشی متفاوت می‌پردازیم و با در نظر داشتن نظریه کارکرده‌محور و شیوه بررسی و نقد نرد در ترجمه ادبی، ارزیابی خود را ارائه می‌دهیم. پیش از بررسی ترجمه‌ها ذکر این نکته ضروری است که این دانشجویان در سال دوم تحصیلی خود، پس از آنکه واحد درسی تئوری‌های ترجمه را با موفقیت بگذرانند، خواهند توانست واحد درسی ترجمه ادبی را نیز انتخاب کنند و در پایان این واحد درسی، آزمونی کتبی پیش رو خواهند داشت. در بررسی ترجمه آن‌ها نیز، بنای ما بر دانشی بود که دانشجویان پیشتر در درس‌های نظریه‌های ترجمه، ادبیات، واژه‌شناسی و معادل‌گزینی در ترجمه و زبان‌شناسی و ترجمه فراگرفته‌اند. دانش نظری آن‌ها نیز باید در این پژوهش و در کلاس درسی با تاکید بر نظریه نرد به مسیری مشخص در شناخت هدف و کارکرد ترجمه، سوق داده شود. متن زیر با توجه به ملاک‌های گزینش متن (کاوتس ۱۵۵-۱۴۷:۲۰۰۲) و برای سطح زبانی دانشجویان کارشناسی ارشد در نظر گرفته شده است. با توجه به دیدگاه نرد، پیش از پرداختن به نقد و بررسی ترجمه، باید به نکات زیر توجه داشت و ماموریت ترجمه را نیز تعیین کرد تا دانشجویان، هدف از ترجمه و کارکرد آن را مد نظر داشته باشند و نیز با سبک زبانی خاص کلاسیک برای ارائه ترجمه‌ای معادل آشنا شوند:

۱- ماموریت ترجمه: هدف از ترجمه حکایت^۱ زیر آنست که مخاطب فارسی‌زبان با نمونه‌ای از نثر و سبک زبانی هاینریش فن کلاسیک^۲ از راه ترجمه نمونه‌ای از آثار کوتاهش، آشنا شود. آثار این نویسنده آلمانی‌زبان، نماینده آثار دوره رمانتیسم به‌شمار می‌روند، رابطه‌ای دیالکتیکی میان عصر روشنگری و رمانتیسم دارند و از نظر زبانی، محتوایی و فرم، اغلب ویژگی‌های آثار دوره رمانتیسم را به‌تصویر می‌کشند. بنا بر ماموریت ترجمه، انتظار می‌رود که

1. Anekdote

2. Heinrich von Kleist

ترجمه‌ای معادل و نامخدوش از لطیفه‌های زیر بدست داده شود، به نحوی که محتوا، قدرت بیانی و نیز مولفه‌های زبانی و سبکی خاص کلاسیست در نثر متن مقصد، منتقل شود.

۲- اشاره‌ای کوتاه به سبک زبانی نویسنده، پیش از ترجمه: زبان کلاسیست، اغلب از جملاتی طویل، جایگاه غیرمتداول واژه‌ها، نحوی غیرمتعارف، مکمل‌های وصفی و جملات وصفی و فرعی گنجانده شده در دل جمله اصلی و متن، تشکیل می‌شود و جایگاه واژه‌ها گاه با هدف بالا بردن هیجان در روایت، به صورت آزادانه انتخاب می‌شود. نثر او، توصیف‌هایی همراه با ذکر جزئیات روایت و همراه با ضرباهنگ خاصی در جملات، به پیش می‌رود که دنیای متن حاصل از آن، خاص زبان و فرهنگ مبدا می‌باشد. فریس معتقد است که در زمینه سبک زبانی کلاسیست و جایگاه آزاد واژه و بدعت‌های نحوی در نثر کلاسیست، آزادی رمانتیک نویسنده به چشم می‌خورد و این نابغه زبان، رویکردی متضاد با قیدوبندهای متعارف نحوی - دستوری زبان دارد. جایگاه معمول واژه، عقلانی است، قابل فهم و غیرهنری. کلاسیست در نبرد با عقلانیت موجود در نحو و دستور زبان، رویکردی ستیزه‌جویانه با جایگاه واژگان در ساختار جمله و نثرشان دارد (فریس ۱۹۰۴:۴۴۰).

Übersetzungsübung¹

Ausgangstext²:

Mutterliebe

Zu St. Omer im nördlichen Frankreich ereignete sich im Jahr 1803 ein merkwürdiger Vorfall. Dasselbst fiel ein toller Hund, der schon mehrere Menschen beschädigt hatte, über zwei, unter einer Haustür spielende, Kinder her. Eben zerreißt er das jüngste, das sich, unter seinen Klauen, im Blute wälzt; da erscheint, aus einer Nebenstraße, mit einem Eimer Wasser, den sie auf dem Kopf trägt, die Mutter.

Diese, während der Hund die Kinder loslässt, und auf sie zuspringt, setzt den Eimer neben sich nieder; und außerstand zu fliehen, entschlossen, das Untier mindestens mit sich zu verderben, umklammert sie, mit Gliedern, gestählt von Wut und Rache, den Hund: sie erdrosselt ihn, und fällt, von grimmigen Bissen

۱. تمرین ترجمه

۲. متن مبدأ

zerfleischt, ohnmächtig neben ihm nieder. Die Frau begrub noch ihre Kinder und ward, in wenig Tagen, da sie an der Tollwut starb, selbst zu ihnen ins Grab gelegt.

اشاره‌ای کوتاه به محتوای متن مبدأ

برخلاف بیشتر آثار ادبی در ژانر ادبی "حکایت"ها که روایتی کوتاه و اغلب طنزآمیز از زندگی انسانی یا از واقعه‌ای تاریخی را به تصویر می‌کشند، این حکایت، اگرچه پایانی دراماتیک دارد، اما دیگر ویژگی‌های حکایت را دربردارد و به صورت کوتاه و موجز، واقعه‌ای را در زندگی شخصیت اصلی روایت، شرح می‌دهد. محتوای این اثر روشن است: مادری که فرزندانش قربانی سگی هار می‌شوند، خود را در وضعیتی عذاب‌آور، گرفتار می‌بیند و از روی انتقام، به جان سگ می‌افتد و خود نیز با مبتلا شدن به هاری، اندکی بعد، جان می‌سپرد. پایان این واقعه، عصاره رویداد را که همان مهر مادری است، نشان می‌دهد.

فرم زبانی: الف) سبک: با اینکه این اثر، واقعه‌ای را در زندگی روزمره شرح می‌دهد، سبک زبانی آن با به کار بردن جایگاه متفاوت واژه‌ها و استفاده از توصیفات خاص گنجانده شده در جای جای متن و ضرباهنگ خاص جملات، عامیانه نیست. نثر و سبک خاص کلایست، در این اثر نیز به طور کامل آشکار است. ب) ساخت جمله: جمله‌بندی‌ها بلند است و بیشتر ناهمپایه. افزون بر آن، ویژگی‌های زیر در این متن و جمله‌بندی آن مشهود است: ۱- جمله‌ها: جمله‌های ناهمپایه با ویرگول، از جمله قبلی جدا شده‌اند و از نظر محتوایی در خدمت توصیف جزء جزء رویدادند. ۲- توصیفات اضافی گنجانده شده در خلال روایت: قیود زمانی و مکانی و کیفی، مکمل‌های وصفی و جملات فرعی‌ای که در دل جملات اصلی مندرج و گنجانده شده و یا با ویرگول و یا با حرف ربط از یکدیگر جدا شده‌اند، کارکردهای متفاوتی دارند، از جمله تاکید و برجسته سازی و بالا بردن حرارت و هیجان خواننده.

گزینش واژه: درباره کلیت واژه‌گزینی می‌توان گفت از واژگانی استفاده شده است که در زبان آلمانی معاصر نیز شناخته شده‌اند، اما جایگاه آن‌ها در جمله، متفاوت است.

تعیین نوع متن: وضعیت متن و بررسی آن، نشان می‌دهد که با ویژگی‌های خاص متنی ریخت‌محور^۱، روبرویم که از گستره متون کاربردشناسی خارج می‌شود. نویسنده از ابزارهای

1. formbetont

زبانی خاص خود بهره گرفته است و با توصیفات و نیز تغییر در جایگاه واژه، آگاهانه ساختار کلاسیک جمله‌بندی را در متن بر هم می‌زند و با آنکه گزینه‌های دیگری نیز برای جمله‌سازی و جایگاه واژه وجود دارد، ساختار و ریخت غیرکلاسیک را بکار می‌گیرد. از این رو این متن، در رسته متون خاص ریخت‌محور جای می‌گیرد (م.ک. رایس ۱۹۷۱:۳۷).

روش و راهبرد ترجمه (حاصل از بررسی متن): پس از تعیین نوع متن، روش ترجمه مشخص می‌شود: اول اینکه محتوای حکایت باید در ترجمه، بدون خدشه و کاستی، منتقل شود و دیگر آنکه ریخت یا سبک زبانی باید تا حد امکان حفظ شود، زیرا از محتوای متن جدایی ناپذیر است. مترجم باید درباره کارکرد و تاثیرگذاری ویژگی‌های سبکی و ابزارهای آن، بداند و تلاش کند آن‌ها را در متن مقصد به‌شیوه‌ای تقریباً مشابه، بازگرداند. بنابراین: الف) لازم است سبکی نزدیک به سبک متن مبدأ، در متن مقصد حفظ شود. اما با این وجود لازم است بدانیم که لایه‌های سبک زبانی در زبان آلمانی، مرز دقیقتری نسبت به زبان فارسی دارند و بنابراین ممکن است اندکی انحراف از سبک این متن آلمانی در متن مقصد فارسی به‌چشم بخورد. ب) مولفه‌های خاص نحوی، از جمله مکمل‌های خاص وصفی و جملات فرعی گنجانده شده در خلال روایت باید تا حد امکان، با ساختی مشابه ترجمه شوند. ج) در گزینش واژه در ترجمه، بایستی معیار کلی مشابهی را همانند آنچه که درباره سبک متن وجود دارد، رعایت کرد و از واژگانی معادل با واژگان متن اصلی، در ترجمه استفاده کرد، از جمله: فزونتر استفاده از واژه‌های رایج در ساخت زبان و نثر فارسی و بکارگیری آن‌ها در ترجمه. در مواردی که در متن مبدأ از واژه‌ها یا عبارات خاص زبانی استفاده شده است، می‌توان از مشابه آن‌ها در زبان فارسی بهره جست. در زیر، ترجمه دو نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد گروه زبان آلمانی دانشگاه تهران را از دو گروه آزمایشی متفاوت، از نظر می‌گذرانیم. مدرس در گروه آزمایشی دوم، دانشجویان را با ماموریت ترجمه متن و نیز سبک و کارکرد زبانی متن، آشنا ساخته است.

ترجمه شماره (۱)

مهر مادری

در شهر سانتا امر فرانسه در سال ۱۸۰۳ یک حادثه عجیب و غریب به‌وقوع پیوست. در آن زمان سگی که به‌مردم شهر صدمات زیادی زده بود به‌دو کودک که در جلوی درب خانه‌شان مشغول بازی بودند، حمله کرد. سگ کودک کوچکتر را چنان گاز گرفت که از خونی که از

دهانش می‌آمد رنج می‌کشید. از خیابان کناری به یکدفعه سر و کله مادر که بر روی سرش سطل آب بود، پیدا شد.

سگ به محض دیدن مادر، بچه‌ها را رها کرد و به سمت او یورش برد. زن سطل را در کناری بر روی زمین گذاشت و چون توانی برای فرار نداشت، قاطعانه تصمیم گرفت حداقل نامهربانی حیوان را با خود به گور ببرد، پس سگ را محکم همراه با خشم و انتقام به بغل گرفت. خرخره سگ را گرفت و از گازهای وحشیانه‌اش تکه تکه شد و بیهوش در کنار سگ بر روی زمین افتاد. زن فرزندانش را در قبر چال کرد و خودش نیز چند روز بعد به دلیل بیماری هاری مرد و در کنار فرزندانش در قبر جای گرفت.

ترجمه شماره (۲)

مهر مادری

در سال ۱۸۰۳ در منطقه‌ای به نام سنت اوامر در شمال فرانسه اتفاق جالبی رخ داد. داستان از آنجا شروع می‌شود که سگی بزرگ و هار که پیش از این به شمار زیادی از مردم آسیب زده بود، به دو بچه که جلوی در خانه بازی می‌کردند، حمله ور شد. کودک کوچکتر زیر پنجه‌های سگ درخون خود می‌غلطید. در همین حین که سگ داشت او را تکه تکه پاره می‌کرد، مادرش که سطل آبی روی سر داشت از پس کوچه‌ای سررسید.

زن سطل آب را در کنار خودش گذاشت و در همان حال که سگ بچه‌ها را رها کرد، به او حمله ور شد. و بجای فرار، مصمم شد تا این هیولا را دست کم از بین ببرد. بنابراین سگ را محکم با تمام عضلاتش گرفت و سراپا از خشم و انتقام او را خفه کرد و خود از شدت گازهای دردناک سگ بی‌رمق در کنار او نقش بر زمین شد. زن فرزندانش را به خاک سپرد و مدت کمی زنده ماند. از آنجا که او بر اثر هاری درگذشت کمی بعد خودش را هم در کنار فرزندانش به خاک سپردند.

نقد و بررسی ترجمه

مقایسه متن: پس از معیارها و نکات روش‌شناسی یادشده، ترجمه‌ها را جمله به جمله در واحدهای کوچکتر و از نظر سبکی با متن اصلی مورد سنجش قرار می‌دهیم و قضاوت خود را با استدلال انجام می‌دهیم. در صورتی که ارزیابی مان، مثبت نباشد، ترجمه‌ای پیشنهادی در پایان هر ارزیابی خواهد آمد.

ارزیابی: راه حل‌های مشکلات ترجمه که پس از مقایسه دو متن با ارزیابی مثبت یا منفی، ارائه می‌شود، دسته‌بندی می‌شوند. در عین حال، دسته‌بندی بکاررفته، تا حد زیادی به ویژگی‌هایی از متن استناد می‌کند که در بررسی متن، روشن شده‌اند.

محتوا: با آنکه ریخت و عناصر آن، در متنی که ریخت‌محور باشد، نقش و اهمیت خاص خود را دارند، اما ریخت در متن پیش روی ما، در خدمت توصیف و تبیین محتوا و مقصود نویسنده نیز قرار گرفته است. از این رو، برای هر دو، ریخت و محتوا، اهمیتی یکسان قائلیم. نخست به این پرسش در زمینه معیارهای ترجمه می‌پردازیم که آیا محتوای متن بصورت کامل و بدون خدشه، منتقل شده است یا نه. خدشه به محتوا ممکن است از طریق حذف یا اضافه یا با شناخت غلط از ساختارهای دستوری- نحوی یا واژگانی و معناشناختی پدید آید. در واژگان چند معنا، ممکن است بخاطر عدم توجه کافی به بافت متن، بواسطه معانی بالقوه، یکی از گزاره‌ها یا به عبارتی درونمایه پیام در متن مبدأ، به صورت معادل انتخاب نشده باشد.

الف) خدشه محتوایی به دلیل حذف یا اضافه: در برآمد ترجمه شماره (۱)، موارد حذف محتوایی مربوط به *mit Gliedern* و *unter seinen Klauen* به ترتیب در بند اول و دوم است که در ترجمه به آن توجهی نشده است. در همین برآمد، موارد اضافه محتوایی عبارتند از: خونی که از دهانش می‌آمد و رنج کشیدن در بند اول و به محض دیدن مادر و به گور ببرد، در بند دوم. در برآمد ترجمه شماره (۲)، موارد اضافه محتوایی مربوط به داستان از آنجا شروع می‌شود، سگی بزرگ و در همین حین که سگ داشت او را تکه تکه می‌کرد، در بند اول و مدت کمی زنده ماند، در بند دوم است.

ب) خدشه محتوایی به دلیل خطا در تشخیص ساختارهای دستوری- نحوی: در برآمد ترجمه شماره (۱) در دو مورد، خطای دستوری به چشم می‌خورد. در بند اول، ترجمه عبارت *sich im Blute wälzen* و فعل این عبارت با کارکرد انعکاسی آن شناخته نشده است و ترجمه‌ای اشتباه، یعنی: از خونی که از دهانش می‌آمد، رنج می‌کشید، صورت گرفته است. ترجمه پیشنهادی: در خون غلتیدن.

در بند دوم، خطای دستوری مربوط به ترجمه ساختار *Die Frau ward ... selbst zu ihnen ins Grab gelegt* است که با در نظر گرفتن حالت *Passiv* فعل و جمله در زبان آلمانی، بهتر است مانند برآمد ترجمه شماره (۲)، صورت فاعلی آن در ترجمه فارسی بدین صورت انجام گیرد، ترجمه پیشنهادی: خودش را هم در کنار فرزندان به خاک سپردند. در برآمد ترجمه شماره (۱) و (۲)، در جملاتی از متن مقصد، توالی اجزاء جمله در قیاس با متن

مبدأ، تغییر یافته است، بدون آنکه ناشی از قواعد نحوی متن مقصد باشد. در بند اول از برآمد ترجمه شماره (۱)، ترجمه: در آن زمان سگی به مردم شهر صدمات زیادی زده بود، بدون توجه به جمله توصیفی *Attributsatz* و ایجاد پیوند با حرف ربط که در فارسی صورت گرفته است. در بند دوم از ترجمه شماره (۲)، ترجمه جمله زن سطل آب را در کنار خودش گذاشت و در همان حال که سگ بچه‌ها را رها کرد، به او حمله ور شد. مشخص نیست که فاعل جمله در عمل "حمله کردن" انسان است یا حیوان و خطایی نحوی در درک جمله‌ها صورت گرفته است. ترجمه پیشنهادی: مادر، در حالی که کودکش را سگ رها می‌کند و این بار به سوی او حمله ور می‌شود، سطل را در کنار خود بر زمین می‌گذارد. در آخرین سطر از بند دوم در همین ترجمه، جمله زن فرزندانش را به خاک سپرد و مدت کمی زنده ماند. از آنجا که او بر اثر هاری درگذشت، کمی بعد خودش را هم در کنار فرزندانش به خاک سپردند، به صورت دو جمله مجزا با اندکی اضافه در معنا ترجمه شده است، در حالی که جمله اصل آن در زبان آلمانی، یکپارچه به سبک کلاسیکی نوشته شده است.

ج) خدشه محتوایی به دلیل خطا در تشخیص ساختارهای واژگانی: در ترجمه شماره (۱)، واژه *Untier* بصورت *نامهربانی حیوان* ترجمه شده است و تنها بار منفی آن بخاطر پیشوند *un* در ترجمه آمده است، ولی ترجمه درستی از آن صورت نگرفته است. پیشوند *un* در ابتدای برخی اسامی، همچون *Unkraut*، *Unmensch*، *Unding* ماهیت متضاد با واژه را با بار منفی نشان می‌دهد. ترجمه پیشنهادی: حیوان پلید

در بند اول از ترجمه شماره (۲)، برای واژه *merkwürdig*، واژه *جالب* به عنوان معادل آن انتخاب شده، در حالی که معادل مناسبتر آن، شگفت و عجیب، می‌باشد، چرا که بیانگر شگفتی رخداد داستان است. در مجموع می‌توان گفت که محتوا در هر دو ترجمه به طور کامل بدون خدشه منتقل نشده است. با اینکه هر کدام از خدشه‌های محتوایی موجود، خسارت فاحشی به اساس محتوای متن وارد نکرده‌اند، اما حاصل تمام آن‌ها، بی‌دقتی‌هایی را نشان می‌دهد که با ملاحظه و دقت بیشتر، می‌توان از بروز آن‌ها جلوگیری کرد.

ریخت زبانی: آن دسته از مشکلات ترجمه که نتیجه ریخت زبانی داستانند را می‌توانیم به دو دسته تقسیم کنیم: مشکلاتی که مربوط به تقابل دو زبانند و در هر ترجمه از آلمانی به فارسی پدید می‌آیند و مشکلاتی که ناشی از ویژگی‌های خاص زبانی - سبکی متن‌اند.

مشکلات ترجمه مربوط به تقابل دو زبان: الف) هر گاه در زبان آلمانی، از حرف تعریف نامعین *ein* استفاده شود، نباید همیشه در زبان فارسی از واژه *یک* برای ترجمه آن استفاده کنیم

و معادل درست آن با پسوند نامعین -ی در فارسی بکار می‌رود. از این رو در ترجمه شماره (۱)، برای واژه ein Hund، معادل سگی صحیح می‌باشد و معادل یک سگ برای آن اشتباه است. با این کار، از ایجاد ابهام میان تعداد اسم و نامعین بودن اسم جلوگیری کرده‌ایم. (ب) زمان فعل: گاهی زمان حال فعل Präsens در زبان آلمانی بکار می‌رود ولی نشان از رخدادی در گذشته دارد. در ترجمه فارسی این متن نیز می‌توان مطابق با زمان هر فعل، از زمان گذشته یا حال استفاده کرد، زیرا در زبان فارسی نیز چنین کاربردی وجود دارد. در دو ترجمه موجود، زمان گذشته فعل بکار برده شده است، هرچند می‌توان از زمان حال نیز در ترجمه استفاده کرد. مشکلات ترجمه مربوط به متن مبدأ از نظر سبک زبانی: الف) سبک متن مقصد: در سه مورد در ترجمه شماره (۱)، از ساختاری عامیانه استفاده شده است که عبارتند از: سگ کودک کوچکتتر را ... گاز گرفت، خرخره سگ را گرفت و زن فرزندانش را در قبر چال کرد. افعالی مانند گاز گرفتن، خرخره کسی را گرفتن و چال کردن، بیشتر در متون عامیانه فارسی بکار می‌رود. با توجه به اینکه این متن، اساساً زبانی عامیانه ندارد، ترجمه شماره (۲)، معادل‌های مناسب‌تری را در ترجمه به کار برده است. ترجمه پیشنهادی درباره این افعال: از هم دریدن، خفه کردن، به خاک سپردن. مسئله مهمی که درباره خطاهای سبکی در ترجمه وجود دارد، آنست که با بکاربردن واژه‌های عامیانه در ترجمه، ممکن است خواننده متن مقصد، در مجموع تصور کند که متن مبدأ، زبانی کاملاً عامیانه دارد و یا با بکاربردن واژه‌هایی فصیح‌تر از متن اصلی در ترجمه، ممکن است باز هم خواننده متن مقصد را درباره سبک متن مبدأ، به اشتباه بیاندازیم.

ساخت جمله

الف) جمله‌های فرعی و مکمل‌های وصفی گنجانده شده در ساخت جمله: همانگونه که در آغاز به سبک زبانی خاص کلاسیست در بکاربردن آگاهانه و عمدی این عناصر سبکی و به عبارتی استفاده بیش از حد از جملات فرعی و توصیفات اضافی و گنجانده شده در خلال روایت اشاره شد، لازم است سعی کنیم در ترجمه از قابلیت‌های زبان فارسی استفاده کنیم و این سبک خاص را به خواننده ترجمه منتقل کنیم، زیرا هدف اصلی کلاسیست آنست که به عنوان مثال، ذهن خواننده در پی خواندن توصیفات و اندراجات با استفاده از جملات فرعی و مکمل‌های توصیفی، برای نام بردن از شخصی یا مسئله‌ای در پایان جمله، آماده شود و هیجان خواننده فزونی یابد. بدین منظور، نویسنده، به دفعات از دو ویرگول آغازی و پایانی برای

افزودن توصیف یا مطلبی اضافی در تشریح رویداد، استفاده کرده است و در ترجمه هم می‌توان چنین راهبردی را به‌کار برد. به‌عنوان مثال، در دو ترجمه (۱) و (۲)، باید به‌سبک ساخت جمله و جایگاه غیر متداول واژه "مادر" به‌عنوان نهاد در پایان جمله، اهمیت داد و به‌هدف کلاسیست در بالا بردن هیجان خواننده در پی خواندن نام مادر به‌یکباره در آخر جمله در ترجمه، جامه عمل پوشاند. عبارت از این قرار است:

Da erscheint, aus einer Nebenstraße, mit einem Eimer Wasser, den sie auf dem Kopf trägt, die Mutter.

ترجمه شماره (۱): از خیابان کناری به‌یکدفعه سر و کله مادر که بر روی سرش سطل آب بود پیدا شد.

ترجمه شماره (۲): مادرش که سطل آبی روی سر داشت از پس کوچه‌ای سر رسید. ترجمه پیشنهادی: به‌ناگاه، از پس کوچه‌ای، هم در آن حال که سطلی آب بر سر حمل می‌کرد، مادر، از راه رسید.

ب) مکمل‌های وصفی: درباره مکمل‌های وصفی، همانند آنچه که درباره جمله‌های فرعی گنجانده شده در ساخت جمله، شرح داده شد، لازم است در ترجمه بصورت گنجاندن این مکمل‌ها در بطن جمله با کمک ویرگول عمل شود و به‌سبک کلاسیست در ترجمه اهمیت داد. ج) نشانه‌های نگارشی و سجاوندی: استفاده از نشانه‌های نگارشی و سجاوندی، در هر دو ترجمه، در مواردی رعایت نشده است که باید به‌آن‌ها توجه داشت.

نکات پایانی، نتایج و پیشنهادهای آموزشی درباره تدریس ترجمه متون ادبی

متون ادبی به‌دلیل غنای واژگانی، فرهنگی، سبکی و تنوع ساختارها و عناصر دستوری، نحوی و معنایی، نقشی پراهمیت در آموزش ترجمه و تدریس آن دارند. آشنایی دانشجویان با مبانی نظری ترجمه متون ادبی و در بخش عملی، آموختن تدریجی دانش و آشنایی با مهارت‌ها و ابزارهای لازم و نیز روند شکل‌گیری ترجمه ادبی در زبان مقصد، از مقدمات ضروری ترجمه این متون بشمار می‌رود و تحقق آن بر عهده مدرسان این واحد درسی است. بررسی متن ادبی، تعیین نوع متن، واکاوی ساختارهای خاص نحوی و سبکی و عناصر فرهنگی آن، تعیین ماموریت ترجمه پیش از ترجمه متن و تعیین روش ترجمه برآمده از بررسی متن، موجب فهم بهتر متن، ارائه ترجمه‌ای معادل و تقویت توانش ترجمه ادبی دانشجویان می‌شود. توجه به‌هدف و کارکرد ترجمه ادبی در زبان مقصد و به‌عبارتی توجه به‌ماموریت ترجمه،

نقشی اساسی در ارائه ترجمه‌ای معادل دارد؛ از این رو باید در کنار گزینش مناسب متون ادبی بر اساس معیارهای انتخاب متن، برای ترجمه آن‌ها، از ابزاری آموزشی یا به عبارتی از ماموریت ترجمه، استفاده کنیم و برای تمرین‌های ترجمه در کلاس درسی، ماموریت ترجمه را تعیین کنیم. بررسی موانع یادشده در روند ترجمه و برطرف کردن این موانع نیز، به منظور پیش‌گیری از بروز خطا در ترجمه ادبی، امری ضروری است. در کنار موانع ترجمه، بررسی مشکلات خاص متن ادبی، پس از تحلیل متن، ما را در بهره‌جستن از راهبرد مناسب ترجمه، یاری می‌دهد. در صورت بروز خطا، باید میان خطاهای نحوی و دستوری-واژگانی با خطاهای کاربردی و سبکی و نیز خطای ناشی از کارکرد نادرست متن در زبان مقصد یا به عبارتی خطای ناشی از تحقق نیافتن ماموریت ترجمه در متن مقصد، در ارزیابی خطا در ترجمه متن ادبی، تمایز قائل شویم. استفاده از متونی که از لحاظ نحوی، سبکی یا کارکردی، پتانسیل قابل توجهی در بررسی مشکلات ترجمه ادبی دارند، باعث استفاده کاربردی از دانش زبان خارجی و زبان مادری در ترجمه، رویارویی دانشجویان با چالش در ترجمه و بالا رفتن خلاقیت آنان در برون‌رفت از این چالش‌ها و سرانجام، فراگیری و تقویت توانش ترجمه دانشجویان می‌شود. با استناد به روش کارکردمحور نرد در ترجمه متون ادبی و کاربست آن در عمل و در پی آن، تعیین ماموریت ترجمه در پژوهش حاضر، این نتیجه به دست آمد که دستیابی به ترجمه‌ای معادل با کارکرد و سبک زبانی هم‌ارز در زبان مقصد، با توجه به درک کارکرد و سبک زبانی متن در زبان مبدأ به دست خواهد آمد. در بررسی مشکلات و تحلیل خطاهای ناشی از سبک زبانی خاص کلاسیک با توجه به نظریه نرد و تعیین ماموریت ترجمه، بدین نکته رسیدیم که خطاهای ناشی از عدم توجه به ساختارهای واژگانی- دستوری، نسبت به خطاهای کارکردی- سبکی نقشی به مراتب کم اهمیت‌تر در ترجمه دارند و ارزیابی مان نیز بسته به هدف از ترجمه و ماموریت آن صورت گرفت. در واقع باید گفت، درک سبک زبانی خاص نویسنده و ابزارهای نحوی و زبانی و بیانی آن، اهمیتی به مراتب بیشتر از شناخت صرف معانی واژگانی- دستوری جملات متن در ترجمه دارد. بنابراین بهتر است مدرسان ترجمه در ارزیابی خطاهای ترجمه دانشجویان، به تحقق ماموریت ترجمه‌ای که به عنوان ابزاری آموزشی برای تمرین ترجمه تعیین کرده‌اند، توجه داشته باشند و ارزیابی متفاوتی نسبت به نوع خطا، اعمال کنند. ناگفته نماند که نتایج به دست آمده در این پژوهش، صرفاً به بررسی انجام گرفته بر روی ترجمه نمونه‌ای کوتاه از نثر آلمانی کلاسیک، محدود شد و اظهارنظر درباره ترجمه نمونه‌های دیگر نثر او و نیز آثار نمایشی این نویسنده، نیازمند بحث‌های مفصل‌تری است.

منابع

- Benjamin, W. (1963). *Die Aufgabe des Übersetzers*. In: Störig (1963): Das Problem des Übersetzens, Darmstadt: Wissenschaftliche Buchgesellschaft, S. 182-195.
- Fries, A. (1904). *Zu Heinrich von Kleists Stil*. In: Koch (1904): Studien zur vergleichenden Literaturgeschichte. Hrsg. von Max Koch. Bd. 4. Berlin: Duncker.
- Gardt, A. (1987). *Zur Didaktik des literarischen Übersetzens*. München: Iudicium.
- Goethe, J. W. von (1963). *Drei Stücke vom Übersetzen*. In: Störig (1963): Das Problem des Übersetzens. Darmstadt: Wissenschaftliche Buchgesellschaft, Einleitung S. 7.
- Haddadi, M. (1384/2006). *Einführung in die Theorie und Praxis des Übersetzens*, 2. Auflage. Teheran: Rahnama.
- Kautz, U. (2002). *Handbuch Didaktik des Übersetzens und Dolmetschens*. 2. Auflage. München: Iudicium, Goethe-Institut.
- Kloepfer, R. (1967). *Die Theorie der literarischen Übersetzung. Romanisch-deutscher Sprachbereich*. München: Wilhelm Fink.
- Koller, W. (1997). *Einführung in die Übersetzungswissenschaft*. 5. aktualisierte Auflage. Wiesbaden: Quelle und Meyer.
- Nord, C. (2008a). *Traducción al alemán de textos literarios españoles: 07B: Textos literarios*. Unveröfftl. Manuskript mit Materialien für den Fernstudiengang Máster den Traducción Especializada de las Lenguas Española y Alemana der Universitäten Sevilla und Córdoba, Spanien.
- Nord, C. (2008b). *Traducción al alemán de textos literarios españoles: 11B: Textos narrativos y dramáticos*. Unveröfftl. Manuskript mit Materialien für den Fernstudiengang Máster den Traducción Especializada de las Lenguas Española y Alemana der Universitäten Sevilla und Córdoba, Spanien.
- Nord, C. (2011). *Funktionsgerechtigkeit und Loyalität. Die Übersetzung literarischer und religiöser Texte aus funktionaler Sicht*. Berlin: Frank & Timme.
- Nord, C. (2011). *Funktionsgerechtigkeit und Loyalität. Theorie, Methode und Didaktik des funktionalen Übersetzens*. Berlin: Frank & Timme.
- Reiß, K./Vermeer, H. J. (1984). *Grundlegung einer allgemeinen Translationstheorie*. Tübingen: Max Niemeyer.
- Schlegel, A. (1963). *Über die Bhagavad-Gita*. In: Störig (1963): Das Problem des Übersetzens. Darmstadt: Wissenschaftliche Buchgesellschaft, S. 97-100.
- Schreiber, M. (1993). *Übersetzung und Bearbeitung. Zur Differenzierung und Abgrenzung des Übersetzungsbegriffs*. Tübingen: Günter Narr.

Stolze, R. (1997). *Übersetzungstheorien. Eine Einführung*. 2. vollständig überarbeitete und erweiterte Aufl. Tübingen: Gunter Narr.

Wilss, W. (1974). *Übersetzungswissenschaft*. Band1. Heidelberg: Julius Groos.

Wilss, W. (1977). *Übersetzungswissenschaft. Probleme und Methoden*. Stuttgart: Ernst Klett.

Archive of SID